

عوامل فساد اقتصادی اختلاس و راهکارهای پیشگیری آن از منظر امام علی^(علیه السلام) با تأکید بر بیانیه گام دوم

حسن یعقوبی

دانشجوی دکتری دفتر نهاد ریاست جمهوری

yaghobi.h.110@gmail.com

داؤد خوش باور

دکتری دفتر نهاد ریاست جمهوری

davodkhoshbavar@gmail.com

در دیدگاه مدیریت دینی و الهی حضرت علی (ع) و به تبع آن در نظر امام خامنه‌ای مسئولیت هدایت و تربیت فرد و جامعه در کنار مدیریت از اهمیت بالایی برخوردار است. با این مبنای، حضرت علی (ع) ارائه الگوی درست برای اقتصاد خانواده و کشور را که شامل تقویت ایمان و تقوی، حق محوری، ایجاد سیستم نظارتی قوی و مستمر، توجه به شکایت‌ها و گزارش‌های مردم، افشاری خیانتکار و تحقیر و برخورد جدی با آن، باز پس گرفتن بیت‌المال، امتیاز ندادن به خویشان و آشنايان، ریشه‌یابی عوامل فساد، و تأمین امنیت اقتصادی کارگزاران است را مطرح و بیان می‌کند. از این رو، این پژوهش با مراجعه به سیره قولی و رفتاری امیرالمؤمنین علیه السلام در صدد ارائه راه حلی برای پاسخ به این دو پرسش است که عوامل و راهکارهای جلوگیری از فساد اختلاس چیست؟ امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم در این باره چه توصیه‌ای دارد؟ همچنین از نظر رهبر فرزانه انقلاب، عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد اقتصادی بر سه رکن اساسی؛ قانون عادلانه، مجریان عادل و اجرای درست و بدون تبعیض قانون است که معماران و طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاست‌گذاران در بی‌ریزی بنیان‌ها و سازمان‌های اجتماعی همواره باید آن‌ها را مدنظر قرار داده و با فساد با قاطعیت وجدیت برخورد کنند و این روش مبارزه با فسادی مثل اختلاس را در جامعه تبدیل به گفتمان کرده و با حضور مردم به صورت جدی مورد مطالبه عمومی قرار گیرد. در نتیجه سخنان و توصیه‌های امام خامنه‌ای در این باره در بیانیه گام دوم دقیقاً مطابق با سخنان حضرت امیرالمؤمنین (ع) است.

وازگان کلیدی: حضرت علی (ع)، اختلاس، فساد، امام خامنه‌ای، اقتصاد

۱. مقدمه

واژه فساد از ریشه فسد به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، Corruption از ریشه لاتینی corruptus، به معنای شکستن و نقض کردن است. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (حسنی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳). در جایی دیگر فساد به سوءاستفاده از قدرت برای برداشت شخصی تعبیر شده است و مسائلی از جمله رشوه، کلاهبرداری، اخاذی، اختلاس و... را شامل می‌شود (همان).

فساد اقتصادی صورت‌های مختلفی دارد، از جمله رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و بازپرداخت که ما در این مقاله به تعریف و بررسی علل ایجاد فساد اقتصادی اختلاس و راههای جلوگیری آن می‌پردازیم.

۲. اختلاس

اختلاس در لغت یعنی ربودن، دستبرد زدن، دست‌اندازی به حقوق دیگران، گرفتن شیئی با سرعت هرچه تمام‌تر و یا استفاده از فرصت مناسب است (کردلو، ۱۳۸۴:۴۷). اختلاس خیانت در امانت مأمور دولت در تصاحب وجوده یا اسناد یا اموال متعلق به دولت است و یا نسبت به سایر وجوده یا اسناد یا اموال اشخاص به نفع خود یا دیگری است که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است (قبری، ۱۳۸۸:۱۲۸).

شهید ثانی می‌نویسد: «مختلس کسی است که مال را به طور پنهانی از غیرحرز بر می‌دارد و مستلب کسی است که مال را آشکارا بر می‌دارد و فرار می‌کند (شرح لمعه، ۱۳۷۷:۱۴۵).

۱-۱. مهم‌ترین زمینه‌های رواج اختلاس و راههای جلوگیری از آن

۲-۱-۱. عدم پایبندی مذهبی و اخلاقی

به طور کلی پایبندی‌های مذهبی و اخلاقی در افراد می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در جلوگیری از فساد اقتصادی و اداری عمل کند؛ ولی وقتی که این پایبندی‌های مذهبی همراه با اخلاق حرفه‌ای، وجدان کاری، جلوگیری از روحیه مادی گرایی و مصرف گرایی در افراد باشد، بیشتر می‌تواند در کنترل فساد مؤثر باشد.

عوامل بازدارنده این فساد

برخی عوامل بازدارنده مربوط به حوزه رفتار در نظام اداری هستند که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در دو زمینه راهکارهایی را ارائه می‌دهند:

الف. تقویت ایمان و باورهای دینی

امیر مؤمنان علی (ع) در نامه‌ای به یکی از کارگزاران و مأموران خود فرمان می‌دهد به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی، در آنجا که جز خدا هیچ کس شاهد و گواه واحدی غیر از او وکیل نیست و نیز به او فرمان داد که برخی از اطاعت‌های الهی را آشکارا انجام ندهد. در حالی که در پنهان خلاف آن را انجام می‌دهد. (و باید بداند) آن کس که پنهان و آشکارش، کردار و گفتارش با هم مخالفت نداشته باشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت را خالصانه انجام داده است (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۲۶).

در این نامه، حضرت علی (ع) پیش از آنکه دستورهای حکومتی و مدیریتی خویش را به کارگزار خود ارائه کند، او را به تقوا و پایبندی به دستورهای الهی دعوت کرد و کوشید که تقوا و پرهیزکاری را در او نهادینه کند. البته این شیوه منحصر به این نامه نیست؛ روش ایشان در بسیاری از نامه‌ها و رهنمودهای دیگر به کارگزاران، استانداران، فرمانداران، فرماندهان لشکری و... نیز چنین بوده است. چنان که در نامه معروف آن حضرت به مالک اشتر، ایشان پیش از ارائه دستورها و مقررات مدیریتی، او را به تقواهی الهی و متابعت از دستورهای خداوند متعال دعوت می‌کرد (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳).

مقام معظم رهبری نیز با پیوند عدالت و مبارزه با فساد در این زمینه می‌فرمایند: «تحقیق هریک از ارزش‌های اجتماعی در جامعه نیازمند الزاماتی است که عدالت نیز از این رویه مستثنی نیست». رهبر معظم انقلاب اسلامی به برخی از این الزامات چنین اشاره دارد: «عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمی‌شود؛ عدالت، با تعارف درست نمی‌شود؛ اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد؛ این هم جزء پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت است. اول باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه من و شما این‌ها است. واقعاً باید با ویژه‌خواران و فساد مبارزه کنیم». ایشان مسئله خودسازی و اصلاح نگرش مسئولین را به مسئله عدالت گره می‌زنند (خامنه‌ای، ۸۵).

ب. حق محوری

امام علی (ع) فلسفه حکومت خود را اقامه حق می‌دانست و با مداهنه و سازش‌کاری در اداره امور مردم که سیاست اموی است، به شدت مخالف بود.

در جنگ جمل وقتی حارث همدانی، یکی از یاران حضرت به دلیل حضور عایشه (همسر پیامبر) و طلحه و زبیر در سپاه مقابل، دچار لغزش و تردید نسبت به موقعیت امیرالمؤمنین (ع) می‌شد، حضرت در پاسخ به او بدون جانب‌داری از خود این گونه می‌فرماید: نگاهت را به زیر افکندی و بالای سرت را نگاه نکردن؛ به همین جهت سرگردان شدی! تو حق را نشناختی تا اهل آن را بشناسی و باطل را نشناختی تا پیرو باطل را بشناسی (سید رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۲).

بازگردن اموال غصب شده بیت المال و بر کنار کردن فرماندارانی که عثمان آنان را به باطل به کار گماشته بود و اجرای حدود الهی حتی بر نزدیکان، نمونه‌ای از کارهای حضرت علی (ع) و سیره عملی آن حضرت بر حق مداری حکومت می‌توان شمرد. عبدالله بن زمعه از علی (ع) درخواست مالی کرد، اما آن حضرت فرمود: «انَّ هذَا الْمَالَ لِيْ لَكَ وَ لَا لَكَ وَ انْمَا هُوَ فِيْ
لِلْمُسْلِمِينَ»؛ (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۳۲) این مال، نه از من است و نه از تو، بلکه از بیت‌المال مسلمانان است».

رهبری نیز حق‌گرایی را با عدالت پیوند می‌دهند و در باب حق‌گرایی می‌فرمایند: عدالت، تندری و نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

ج. اصلاح نگرش‌ها

امیر مؤمنان (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس، به این مسئله مهم پرداخته، خطاب به او چنین می‌نویسد: کاری که در دست توست، طعمه (و فرصتی برای چپاول) نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو (سید رضی، نامه ۵). در این نامه، حضرت تلاش می‌کند تا نگرش اشعث را به عنوان یک کارگزار حکومتی، به پست و مقامی که در اختیار اوست، تغییر دهد و او را به این حقیقت رهنمون سازد که قدرت و اختیاری که به او داده شده، تنها امانتی در دستان اوست تا بتواند وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهد تا به اهداف مورد نظر دست یابد (خدمتی، ۱۳۸۴: ۴۳-۲۴).

همچنین حضرت امیر مؤمنان (ع) در نامه‌ای دیگری به قاضی منصوب از جانب خویش در منطقه اهواز چنین می‌نویسد: ای رفاهه! بدان که این امارت و حکومت، امانتی است که هر کس به آن خیانت کند، لعنت خدا تا روز قیامت بر او باشد (مغربی، ۱۳۸۵: ۵۳۱).

لذا حضرت امیرالمؤمنین (ع) در حکومت خویش کنار ساختارهایی که برای جلوگیری از فساد طرح ریزی کرده بودند، از عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز غافل نبودند و برای ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مبارزه با فساد در نظام اداری، راهکار تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجودان کاری را ارائه داده‌اند. می‌توان گفت بین وجودان کاری و فساد، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که با فقدان وجودان کاری، فساد و انحرافات افزایش خواهد یافت و وجود آن می‌تواند موجب کاهش فساد در سازمان‌ها شود. بدین ترتیب، ضعف وجودان کاری از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی فساد است (حسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۱؛ بنابراین علی (ع) با ارائه الگوی درست برای اقتصاد خانواده و کشور در حکومت علوی عنوان و بیان می‌کرد.

رهبر معظم انقلاب نیز در راستای اصلاح نگرش‌ها با بر Sherman عدالت به عنوان یک اصل و ارزش می‌فرمایند: «عدالت ارزش مستقلی از دیگر ارزش‌ها نیست که تحقق آن به تنها ممکن باشد، بلکه تحقق عدالت در گروه پیگیری دیگر ارزش‌هاست. این توأمان بودن تحقق ارزش‌ها یکی از الزامات مهمی است که باید پرچم‌داران گفتمان عدالت خواهی بدان توجه داشته باشند تا از افتادن در مسیر انحرافی در امان بماند». حقیقت مذکور در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی این گونه مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. معظم له می‌فرمایند: «اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بهشت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است و دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم برای رسیدن به عدالت است» (خامنه‌ای، ۸۴).

ایشان همچنین یکی از راه‌های مبارزه با فساد را ضرورت گفتمان‌سازی آن در جامعه می‌دانند که می‌تواند به عنوان پیشرانهای انقلاب اسلامی عمل کند و نگرش قوی مثبت در این زمینه باشد. اهمیت گفتمان‌سازی در نگاه ایشان از آن جهت است که اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته شده در بیاوریم (خامنه‌ای،

۹۴). به واقع اگر تفکری به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست (خامنه‌ای، ۹۰).

۲-۱-۲. وجود خلاهای قانونی، ضعف قوانین و ضعف نهادهای نظارتی

وجود خلاهای قانونی و نارسایی‌های قانونی در برخی موارد زمینه‌ساز مفاسد اقتصادی و شکل‌گیری پدیده رشت اختلاس می‌شود. در پاره‌ای موارد، بازدارنده نبودن قوانین موجود، موجب شکل‌گیری مفاسد اقتصادی و ارتکاب چندین باره اختلاس می‌شود. ضعف نهادهای نظارتی نیز یکی از عوامل مهم بروز مفاسد اقتصادی و اختلاس در کشور است. در صورتی که نهادهای نظارتی با دقت و تیزی‌بینی لازم گلوگاه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر را شناسایی و عملکرد مسئولان و نهادهای مختلف را زیر نظر داشته باشند، شاهد بروز مفاسد اقتصادی و اختلاس در این سطح نخواهیم بود.

عوامل بازدارنده

الف. سیستم نظارت قوی و مستمر

اصل بازرسی و نظارت به عنوان یکی از وظایف حساس و اصلی در هر سازمان و مؤسسه و نهاد و ارگان است که به وسیله آن می‌توان بر ساختار و عملکرد و برنامه‌های یک مجموعه نظارت کرد و نقاط قوت و ضعف و اعتدال و یا انحراف آن را فهمید.

آن بزرگوار در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ تَفْقَدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثْ الْعَيْنَ مِنْ أَهْلِ الصَّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ...» (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳). با فرستادن مأموران مخفی که اهل صدق و راستی و وفا باشند کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهانی در کارشان، آنان را به رعایت امانت و ملاحظت با مردم و ادار می‌سازد؛ و با دقت فراوان، مواظب اعوان و انصار و کارگزاران خود باش و اعمال ایشان را تحت نظر داشته باش و چنانچه یکی از آنان دست به خیانتی زدند و مأموران مخفی تو به طور جمعی آن را تأیید کردند، باید که به آن اکتفا کنی و بدون تأخیر خیانتکار را به مقدار خیانتی که انجام داده است، کیفر دهی، آنگاه وی را در مقام خواری و مذلت بشان و داغ خیانت بر پیشانی او بگذار و طوق رسوایی بر گردنش بیفکن».

جالب‌تر از این، فرمان حضرت علی (ع) به لزوم بازرسی مخفیانه است: «إِنَّ تَعَاهِدَكُ فِي السَّرِّ لِأَمْوَالِهِمْ حَدْوَةً لَهُمْ». جمله نخست نیز که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ثُمَّ تَفْقَدْ أَعْمَالَهُمْ» کاوش و پیگیری و جستجو و مراقبت و مانند آن را می‌رساند.

نکته دیگر آن است که واژه «تفقد» در چند بخش از این فرمان مبارک تکرار شده که نشان‌دهنده حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است: نظارت بر دستگاه‌های اجرایی، نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت‌المال و تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری و آبادانی و عمران، نظارت بر بازار و توزیع و مبادلات اقتصادی و تجارتی و صنعتی و رسیدگی به کلیه امور مربوط به بازرگانان و صنعتگران و کسبه و تجارت و خدمات مربوط. بازررسی باید دو نوع باشد: یکی رسیدگی و بررسی حضوری است و دیگری رسیدگی و بازررسی در دورترین نقاط دنیا اسلام: و **نَفَقَهُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ؟**؛ امور آنان را در حضور خودت بررسی کن! و فی حواشی بلادک؛ و امور آنان را که در شهرهای دیگر و اطراف کشور اقامت دارند، بررسی کن!

در نهج‌البلاغه چنان‌که گذشت، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «و ابعث العيون من أهل الصدق و الوفاء عليهم»؛ (سید رضی، نامه ۵۳) بازرسانی را بر آنان اعزام کن که اهل راستی و وفادار باشند» و در همان نامه همچنین می‌فرماید: «فاستعملهم اختباراً و لا تستعملهم محاباة و أثره؛ آنان را بر اساس خبرویت و شایستگی به کار بگمار و از روی روابط و امتیازهای نابجا آنان را به کار نگیر!».

این موضوع بسیار جالب و آموزende و حساس و سرنوشت‌ساز، در ابعاد گوناگون و حفظ و حراست و مراقبت در برابر نفوذ، وابستگی، سوءاستفاده، اختلاس و ارتشا، فساد و سوءاستفاده از مال و ثروت و قدرت، از چشم تیزین و ژرف‌نگر امیرالمؤمنین علی (ع) هرگز مخفی نمانده است و ایشان بر آن تأکیدی بلیغ و آموزندۀ دارند.

تحقیق عدالت نیازمند ثابت‌قدمی در مسیر حق است؛ چرا که در این مسیر موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد که دستیابی به عدالت را دور و غیرممکن جلوه می‌کند و این امر موجب تضعیف اراده و انگیزه عدالت خواهان خواهد شد. به همین خاطر رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید دارند: یک سال پیش بود که ما مبارزه با مفاسد اقتصادی را بیان کرده دستگاه‌ها را ترغیب کردیم که در این مبارزه جدی باشند. اهتمام به این کار به خاطر آن است که مفاسد اقتصادی، جریان آلدۀ‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد. البته در آن نامه‌ای که به رؤسای محترم سه قوه نوشتیم، عرض کردم مراقب باشید تخلفات مدیریتی را که غالباً به

اشتباه برمی‌گردد، با جرائمی که کسی از روی عمد مرتكب می‌شود، مخلوط نکنید (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

چالش‌های اقتصادی برخاسته از سه علت هستند: یکی علت درونی که عبارت است از «عملکردهای ضعیف/ ضعف‌های مدیریتی» و «عيوب ساختاری» و دیگری علت بیرونی که عبارت است از «تحريم». با این حال، در صورت اصلاح مشکل درونی، تحریم، «کم‌اشر» و حتی «بی‌اشر» خواهد شد. مشکلات درونی نیز مشتمل هستند بر: «دولتی بودن اقتصاد»، «وابستگی اقتصاد به نفت»، «عدم ثبات سیاست‌ها»، «عدم رعایت اولویت‌ها»، «بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن»، «استفاده اندک از ظرفیت‌های انسانی بومی» و «هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه حکومتی» (خامنه‌ای، بیانیه، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد در اینجا، علت‌العلل، عبارت است از «ضعف‌های مدیریتی»، چون از یک سو، «تحريم» فرع بر مشکل درونی است و از سوی دیگر، «عيوب ساختاری» نیز حاصل ضعف‌های مدیریتی در ایجاد یا برطرف کردن آن‌ها است. به این ترتیب، باید گره اصلی و نقص عمدۀ را «ضعف‌های مدیریتی» قلمداد کرد و برای اصلاح وضع اقتصادی از همین نقطه «شروع» کرد و «تحول مدیریتی» را جدی و تعیین‌کننده انگاشت.

ب. نظارت عمومی

امیرالمؤمنین (ع) مردم و حاکم را دارای حق معرفی می‌کند و حقوق هریک را چنین برمی‌شمارد: بزرگ‌ترین چیزی که خداوند متعال از حقوق واجب گردانیده است، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است؛ واجبی که خداوند هریک را بر دیگری واجب گردانیده و از این طریق، نظمی را برای الفت و دوستی ایشان و مایه عزت دینشان قرار داده است. پس مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر به وسیله اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نمی‌شوند، مگر به پایداری مردم (سید رضی، خطبه ۲۱۶). در حقیقت وظیفه سنگین امر به معروف و نهی از منکر بحث نظارت به مفهوم عام و فراگیر کلمه است و در حوزه حکومت و مردم قابل پیگیری است. انجام دادن این دو وظیفه مقدس هم در درون سیستم اداری و قضایی حکومت، به صورت یک اصل فراگیر، قابل توجه و دارای بازدهی و بهره‌دهی فراوان است و آثار و برکات بی‌شمار اجرایی و کاری دارد و هم در رابطه متقابل دولت با مردم و مردم با دولت، به معنای عام کلمه.

نقش عيون و عريف و نقيب و عوامل بازار و مأموران حسبة و محتسب، در صدر اسلام و تاریخ اسلام و دوران خلفا، به این مبنای عمیق و ریشه‌دار اسلامی برمی‌گردد. اداره و یا نهاد حسبة و نیز بحث آمرین به معروف و ناهیان از منکر و نیز بحث نظارت عمومی و نظارت بر صحت جریان امور و بحث تعزیر و تأدیب و تعزیرات حکومتی از همین مفهوم بلند نشأت گرفته است. ابعاد و حوزه گسترده این دو وظیفه خطیر در فرهنگ و نظام و میراث گرانبهای علوی (ع) از جایگاهی بلند و مکانی ارزشمند برخوردار است. نکته جالب و برازنده، حضور و اشراف و نظارت انسانی عادل و عدالت خواه و عدالت پرور به عنوان سکاندار نظام اسلامی و حامی عدالت و پشتونه حق و عدل در جامعه اسلامی است که در مقایسه با نظام‌های دیگر، نقطه عطف است.

در مرتبه بعد، سازماندهی امر نظارت و به کارگیری عناصر کارآمد و عيون و انسان‌های بصیر و خبیر و ثقه و امین و تیزبین در امر نظارت و بازرگانی و پیگیری کارها است که خود، برگ زرین دیگری در امر نظارت و مراقبت و برخورد با فساد در جامعه اسلامی است.

و نیز مبتنی بر نظرگاه رهبری «اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا شود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند، حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می‌کند. اسلام نمی‌گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می‌خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدن و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیر مؤمنان (ع) با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابی طالب قرار داشت که عدل مجسم بود، در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوش و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیر المؤمنین (ع) به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آن‌ها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت» (خامنه‌ای، ۶۰).

این نکته نظر برآمده از نگاه مبنایی است که رهبری به جایگاه مردم در نظام اسلامی دارند. از این نگاه مبدأ همه حرکت‌ها در جامعه اسلامی مردم‌اند و تا مردم چیزی را نخواهند، آن امر در

جامعه محقق نخواهد شد و اگر هم با هر ترفندی محقق شود، دوام نخواهد آورد؛ لذا خواست و رأی مردم مهم‌ترین رکن ارزش‌های اسلامی—انسانی از جمله عدالت است.

۲-۱-۳. فقدان اراده جدی مسئولان و عدم سرعت، قاطعیت و جدیت در برخوردها

این مورد یکی از اصول اساسی در مبارزه با فساد برخورد یکسان و بدون تبعیض و جدی با مرتكبان آن است. احترام امام علی (ع) به قانون به حدی بود که خود را در برابر قانون صاحب اختیار نمی‌دانست. ایشان معتقد بود هیچ کس فراتر از قانون نیست. هیچ کس نمی‌تواند و نباید مانع اجرای قانون الهی شود. از این رو، حضرت می‌فرمودند: مبادا که رعایت حق و مراعات کسی شما را از برپایی حق باز دارد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۵۴).

در این بخش نیز سیره عملی امیر مؤمنان بسیار واضح و آشکار است؛ چرا که ایشان هیچ گونه تساهلی در برخورد شدید با افرادی که از قدرت خویش سوءاستفاده کرده و به کسب امتیازات و منافعی برای خویش پرداخته‌اند، از خود نشان نمی‌دهد و به دور از مصالحه و مسامحه آنان را مؤاخذه و تنبیه می‌کند: «لَيَغْنِيَ الْكُفَّارُ حَرَدَتُ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَ أَكْلَتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ! فَارْفَعْ إِلَىٰ حِسَابِكَ! وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ»؛ باخبر شدم که زمین را از محصول خالی کرده‌ای و هرچه زیر پایت بود برگرفته‌ای و بیت‌المالی را که در اختیار داشتی خورده‌ای! پس حسابت را نزد من فرست! و بدان که حساب کشیدن خدا از حساب کشیدن مردم سخت‌تر است (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۴۰).

ایشان در نامه‌ای به منذر بن جارود عبدی که خیانتی در بیت‌المال انجام داده بود، بهشدت وی را شمات و تحقیر و از کار برکنار کرد: «وَلَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقّاً، لَجَمِلُ أَهْلَكَ وَ شَسْعُ تَعْلَكَ خَيْرُ مُنْكَرٍ، فَأَقْبَلْ إِلَىٰ حِينَ يَصُلُّ إِلَيْكَ كَتَابِي هَذَا»؛ اگر آنچه از تو برایم گزارش شده درست باشد، شتر خانواده تو و بند کفش تو از تو بهتر است، پس هنگامی که نامه‌ام به دستت می‌رسد به نزد من آی (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۷۱).

از دیگر نقل‌های درخور توجه، گفتگوی میان امیر مؤمنان (ع) با شریح قاضی است. هنگامی که در زمان حکومت آن حضرت، شریح قاضی خانه‌ای به قیمت هشتاد دینار خریداری کرد و این خبر به امام (ع) رسید و آنگاه ایشان شریح را خواست و بالحن و نگاهی خشمگین وی را ملامت کرد و به تفصیل وی را با نصایح و مؤعظه‌های آتشین مورد نقد قرار داد: «فَانْظُرْ يَا شُرِيعَ، لَا تَكُونُ

ابتَعْتَ هذه الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكٍ، أَوْ نَقْدَثَ الشَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَّاكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ؛ بِنَگَرْ كَه مبادا اين خانه را از غير مال خود خريده باشي، يا بهاي آن را از غير حلال به دست آورده باشي که در اين صورت هم در دنيا زيان کرده‌ای و هم در آخرت (سيد رضي، ۱۴۱۴: نامه ۳). درمجموع با نگاهی اجمالي به سيره حکومت علوی درمی‌يابيم که امير مؤمنان (ع) در مقابل زياده‌خواهي و فرصت طلبی ايشان ذره‌اي تسامح به خرج ندادند.

از نگاه حکیم فرزانه انقلاب اسلامی نیز «رکن دوم بعد از قانون جامع برای مبارزه با فساد نیروی اجراء کننده این قوانین است؛ اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجراء کننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود و درنتیجه فساد ایجاد می‌شود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته‌ای نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند. یکی از مصادق‌های عدالت مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سال‌ها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاش‌های خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام می‌گیرد؛ اما مبارزه با فساد کار دشواری است؛ کاری است که انسان مخالف پیدا می‌کند. شایعه درست می‌کنند، دروغ می‌گویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار می‌گیرد. این مبارزه لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه پیشرفت، چه در زمینه عدالت انجام دهنند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که عدالت باید برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً می‌توانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق بیخشند. این مطلب اولی که لازم بود عرض کنم (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

به واقع این دستهای پاکاند که خواهند توانست پاکی و درستی را برای جامعه به ارمغان بیاورند. نکته تکمیلی آنکه تحقق این امر را باید در فرآیندهای گزینش کارگزاران نظام اسلامی دنبال کرد که مهم‌ترین آن عرصه انتخابات است. انتخابات اگر در مردم‌سالار دینی به فرآیند شایسته‌سالاری و گزینش اصلاح بدل شود، آنگاه به جرئت می‌توان گفت که مکانیزم تحقق عدالت در جامعه نیز نهادینه خواهد شد.

۴-۱-۲. امتیاز و رانت و عدم بازپس‌گیری بیت‌المال

امیر مؤمنان (ع) با عنایت به اینکه نزدیکان والی بزرگ‌ترین خطر برای استفاده خاص از منافع عمومی و موقعیت‌های ویژه اقتصادی هستند، در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر، این امر را بررسی کرد و مالک را از آن نهی کرده و می‌فرمایند: «...دگر آنکه هر زمامداری، یاران نزدیک و محروم اسراری دارد که در میان ایشان امتیازخواهی و درازدستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا می‌شود؛ اما تو ریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن برکن. مبادا به هیچ‌یک از نزدیکان زمینی واگذاری و مبادا کسی از سوی تو به این طمع افتاد که مالک آب و زمینی شود تا به همسایگان در آییاری یا کار مشترک خسارت وارد آورد و بارش را بر دوش دیگران اندازد» (همان).

از این فراز چند نکته برداشت می‌شود: اول آنکه، به والیان هشدار می‌دهند که همواره به طور طبیعی در اطرافیان و نزدیکان حاکم روحیه سودجویی بروز کند. علت بروز نیز غالباً مقاصد اقتصادی است که معمولاً به صورت امتیازهای ویژه آشکار می‌شود. دوم اینکه، باید مواجهه کارگزار به گونه‌ای باشد که این امتیازخواهی را در ریشه بخشکاند. سوم اینکه، در صورت بروز این پدیده، کارگزار به هیچ عنوان به فعلیت رسیدن آن را برتابد و به گونه‌ای رفتار کند که سوءاستفاده کننده از طمع خویش نامید شود. چهارم اینکه اگر آنان خود امکاناتی را فراهم آوردن، رفتار والی به گونه‌ای باشد که آنان از امتیاز خویشاوندی یا نزدیکی که دارند، در جهت استفاده بیشتر از منابع عمومی و مشترکات با همسایگان به کار نگیرند و بار خویش را به دوش دیگران نیفکنند و به آنان خسارت وارد نیاورند (صدر، ۱۳۸۵: ۱۲۴-۱۰۸).

امام علی (ع) با انحصارگرایی و انحصار طلبی‌ها مبارزه می‌کرد. معادل عربی انحصار طلبی، واژه استئثار است. استئثار از ریشه اثر، در مقابل ایثار و به معنای مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸/۴). عوامل زیادی در انحصار طلبی انسان‌ها نقش دارند. همچون بی‌اعتنایی به حقوق مردم، بی‌رغبتی به مکارم اخلاقی، حرص، بخل و خست؛ اما مهم‌ترین عوامل و ریشه‌های انحصار طلبی، خودخواهی، بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است. اگر ایمان، خودخواهی ذاتی انسان را مهار نکند، انسان به طور طبیعی

انحصار طلب می شود و همه چیز را برای خود و وابستگان خود می خواهد. به فرموده امام علی (ع) هر کس به فرمانروایی رسد، انحصار طلبی پیش کند (همان، حکمت ۱۶۰).

یکی از بهترین روش های مبارزه با انحصار طلبی زیر دستان، دوری کردن مسئولان رده بالا از انحصار طلبی است. از ابواسحاق سبیعی نقل شده است که امام علی (ع) در بیتالمال چیزی باقی نمی گذاشت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵/۳: ۲۱۰).

روش دیگر مبارزه با انحصار طلبی، توجه در گمارش افراد است. چنان که حضرت می فرماید: در بنان و اطرافیان خود را از نیکان برگزین و کسانی از آنها را که امتیازخواه و مت加وز و فاقد انصاف اند از خود دور گردان و به احدی از کسان خود و اطرافیان قطیعه ای و مگذار و به آنان اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند (مغربی، ۱۳۸۵: ۱/ ۳۶۷).

امام علی (ع) می فرمودند: «وَ لَا تُخَالِطُونَ بِالْمُصَانَعَةِ»؛ (همان، خطبه ۲۱۶) با من با ساخت و پاخت و تبانی، معاشرت نکنید.

رهبر فرزانه انقلاب نیز می فرمایند: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۸۰ یک فرمان با ۸ ماده صادر کردن که در آن بر مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی تأکید جدی شده است.

به هر حال بنده فساد را در کسی که با حکم من منصوب شده و می توانم او را از آن کار برکنار کنم، تحمل نمی کنم؛ اما این که «اگر رهبری لازم می دانست، به آنها تذکر می داد» بله آنجایی که جای تذکر است، تذکر می دهم؛ اما تذکر به شخص چیزی نیست که از تلویزیون پخش شود. آن مقدار که شما می بینید بنده در سخنرانی ها، نماز جمعه و در دیدار با هیئت دولت تذکر می دهم و نصیحت می کنم - که در خبرها پخش می شود - چند برابرش را گاهی با زبان های بسیار تلخ، در جلسات خصوصی به مسئولان می گویم؛ لیکن بنا نیست که هر چه به مسئولان تذکر می دهیم و می گوییم یا تلخی نشان می دهیم، حتماً پخش شود تا مردم مطلع شوند. هدف این است که آن شخص راهنمایی شود که خیلی از اوقات اثر می کند و گاهی هم اثر نمی کند و بعد می بینید آن شخص می رود (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

۱-۲. عدم استقلال قضاة و برخورد قضایی

در فرهنگ و میراث علوی (ع) بحث دستگاه قضایی و اعتبار و استقلال و هویت و کفایت آن، به عنوان یک اصل روشن و کارساز و مؤثر در پیشگیری از جرم و جنایت و در برخورد با مجرمان و جنایتکاران به حساب آمده است و از این حیث، همه در برابر قانون برابرند و قاضی مؤظف به اجرای حق و عدل و احراق حقوق عامه و مبارزه با فساد در اشکال گوناگون آن شده است.

به لحاظ اهمیت قضاوت در جامعه، حضرت هم در انتخاب قاضیان معیارهایی را توصیه کرده و هم پس از گماشته شدن به این منصب، سفارش‌های لازم را درباره آنان کرده تا به ظلم و ستم وارد نشده و دنیاطلبی بر آنان مسلط نشود. معیارهایی که در انتخاب قاضی توصیه کرده‌اند عبارت است از:

۱. برترین فرد در علم قضاء؛
۲. پرحوصله و صبور؛
۳. اشتباہ‌پذیر؛
۴. اهل بررسی و تحقیق؛
۵. دارای مناعت طبع؛
۶. محظوظ در شباهات؛
۷. خستگی‌ناپذیر؛
۸. پیگیر؛
۹. شکیبا؛
۱۰. قاطع در فصل خصومت؛
۱۱. استحکام اراده و ثبات رأی (که در اثر مدح و ستایش و سوشه نشود و با تملق دیگران منحرف نگردد (همان، نامه ۵۳)).

در این میان یکی از مسائل و موضوعات مهم در مبارزه با فساد و غارت بیت‌المال و در شرایط کنونی برخورد با هر مدیر و مسئول متخلص است؛ امیر مؤمنان علی (ع) در این خصوص تأکید می‌کند: «لَا يَقِيمُ أَمْرُ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ... - امر خدا را هرگز نمی‌تواند اقامه کند جز کسی که اهل سازش و زد و بند با مفسدان و دشمنان نیاشد»؛ حال اگر دستان متولیان مبارزه با فساد ناپاک باشد،

چنین دستان آلودهای که شکم‌های خود را از بیت‌المال پر کرده‌اند را، نمی‌توان «امانت‌دار بزرگ بیت‌المال» خواند.

رهبری نیز در این زمینه سخنان فراوانی دارند از جمله اینکه می‌فرمایند: «نسبت به فساد درون قوه قضاییه سخت‌گیری کنید. علت‌ش هم این است که این [قوه] مسئول رفع فساد است؛ اگر خودش فاسد شد، گناه او نابخشودنی است. هر چه رتبه شانی و حقوقی انسان بالاتر رفت، به همان اندازه اهمیت کار او هم در جنبه مثبت و هم در جنبه منفی بیشتر می‌شود؛ شما ملاحظه کنید خداوند متعال در قرآن به زن‌های پیغمبر خطاب می‌کند که «يَسْأَءُ النَّبِيَّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَ يُضْعَفَ لَهَا الْعَذَابُ ضَعَفَيْنِ» هر کدام از شماها کار خلافی بکنید عذابتان دو برابر است؛ یعنی همان کاری را که اگر یک زن دیگر بکند پیش خدای متعال صد چوب خوردن دارد، شما انجام بدھید، دویست چوب به شما می‌زنند؛ چرا؟ چون زن پیغمبرید» وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لَهُ وَرَسُولُهُ آن وقت جزای او و پاداش او هم دو برابر است؛ کار خوب هم که بکنید، پاداشتان دو برابر است. این به خاطر اهمیت جایگاه انسان است. پیشگیری از وقوع مفسدہ به عهده قوه قضاییه است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

۶-۱-۲. عدم ریشه‌یابی عوامل و بسترها فسادزا و از بین بدن آن‌ها

گام بعدی امام علی (ع) در برخورد با مفاسد ریشه‌یابی عوامل و بسترها فسادزا و از بین بدن آن‌ها بود. یکی از بزرگ‌ترین اهداف پذیرش حکومت توسط امام (ع) مبارزه با ظلم، فساد و طغیان، تعیض، بی‌عدالتی و احراق حقوق مردم و حاکمیت اسلام اصیل و ایجاد اصلاحات همه‌جانبه، عمیق و گسترده و کارساز و فraigیر در جامعه اسلامی بود. یک بخش مهم از این اصلاحات به تحولات ساختاری، اداری و مدیریتی، قضایی و اجرایی و نوع نگرش به بودجه عمومی کشور و بیت‌المال مسلمانان و نوع بهره‌برداری و استفاده از آن بوده است. امام (ع) وعده این تحولات و اصلاحات را در آغاز مسئولیت و زمامداری خود داد و فرمود: «به آنچه می‌گوییم متعهد و پاییند هستم و سر حرف خود ایستاده‌ام و با کسی ملاحظه و رودربایستی نخواهم داشت (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶).

با توجه به اهمیت و حساسیت این موضوع، سیره و شیوه‌ها و سیاست‌های آن بزرگوار را در راه تحقیق و اجرای عدالت بازمی‌نماییم.

الف. مبارزه با جنون قدرت (همان، نامه ۵۳)؛

ب. تصفیه و پالایش جامعه از عناصر فاسد و فرصت طلب (همان، خطبه ۶)؛

پ. مبارزه با تکبر و تفرعن (همان، خطبه ۲۱۶)؛
 ت. مبارزه با تملق و چاپلوسی (همان، حکمت ۳۴۷)؛
 ث. مبارزه با اغنيا و متوفین (همان، خطبه ۱۹۲)؛
 ج. مبارزه با تبانی و ساخت‌وپاخت (همان، خطبه ۲۱۶، نامه ۴۰)؛
 خ. نفی تبعیض حتی نسبت به نزدیک‌ترین افراد (همان، نامه ۴۱-۲۰)؛
 د. هشدار در مورد خیانت در بیت‌المال و مبارزه با آن (همان، نامه ۲۶).
 مقام معظم رهبری نیز به این مسئله حساس هستند و می‌فرمایند: «کسی که خودش آلدده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).
 مفاسد اقتصادی، مفاسد فرهنگی و مفاسد اخلاقی را هم با خود به همراه می‌آورد (همان، ۱۳۸۷).

اگر مسئولان کشور خودآگاهی لازم را داشته باشند، آنگاه می‌فهمند که مبارزه با فساد لازم و یک جهاد است (همان، ۱۳۸۰).

یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است که به‌شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد (همان).

مسئولان کشور انواع و اقسام فسادها را باید شناسایی کنند و با آن‌ها مبارزه جدی کنند؛ نه در حرف و زبان (همان، ۱۳۷۹)؛ لذا تلاشگران تحقق عدالت باید تلاش کنند تا در گام اول کاستی‌های قوانین موجود مرتفع شود و درنهایت قوانین عادلانه‌ای جامع تدوین شود تا معیاری برای عمل قرار گیرد.

۷-۱-۲. عدم تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح

امیر مؤمنان علی (ع) معتقد بود برای پیشگیری از فساد، باید کارگزاران دولت از حقوق کافی برای تأمین زندگی برخوردار باشند تا زمینه برای اصلاح آنان فراهم شود و نیاز بهأخذ اموال عمومی و بهانه‌ای برای فساد و خیانت نداشته باشند. مسئله تأمین زندگی و نیازهای اقتصادی کارگزاران را حضرت از وظایف سازمان حاکمیت می‌داند و این امر را به صورت جدی به مدیران گوشزد می‌کند. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتراک می‌فرماید: «آنگاه حقوق کافی به آنان بده؛ زیرا این کار آن‌ها را در اصلاح خویشتن تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که زیردست آن‌ها است،

بی نیاز می سازد و حجتی علیه آن هاست، اگر از دستورات تو سرپیچی کنند و یا در امانت تو خیانت کنند» (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳).

امام علی (ع) در استحکام اراده و ثبات رأی (که در اثر مدح و ستایش، وسوسه نشود و با تملق دیگران منحرف نگردد، سفارش می کند: «پس از انتخاب قاضی، هرچه بیشتر در قضاوت های او بیندیش و آنقدر به او بیخش که نیازهای او بر طرف گردد و به مردم نیازمند نباشد و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد (همان، نامه ۵۳).

رهبر فرزانه نیز توجه جدی به مسئله کارگزاران دارند و می فرمایند: هر مدیری باید زیرمجموعه خودش را زیر چتر حمایت خودش قرار بدهد؛ در غیر این صورت آنها نمی توانند کار کنند؛ ولی این دفاع از همکار - که سنت بسیار پسندیده و خوبی است - مانع نشود که اگر گزارشی علیه آن همکار آمد، شما به جد به آن بررسید (خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

۳. نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را می توان مانیفست انقلاب اسلامی در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی دانست که نقشه راه انقلاب اسلامی به حساب می آید. در میان توصیه های هفت گانه کلیدی رهبری به جوانان در بیانیه گام دوم، چهارمین محور اختصاص به «عدالت و مبارزه با فساد» دارد. نوع نگرش حضرت علی (ع) و به تبع آن نظر امام خامنه‌ای نیز با توجه به نظام الهی تبیین می شود. نوع نگرش حضرت به حکومت و حاکمان و کارگزاران و بیت‌المال و قدرت و اقتدار حکومت و مسئولیت امام و رهبر و شیوه برخورد در بیانات نورانی آن حضرت فراوان می توان یافت. از سیره و گفتار امیرالمؤمنان (ع) و مقام معظم رهبری این گونه استفاده می شود که برای جلوگیری از فساد در سازمان حکومت و نظام اداری، راهکارهای زیر را ارائه داده‌اند: در عوامل روانی و رفتاری؛ راهکار تقویت ایمان و باورهای دینی، حق محوری و در عوامل سازمانی؛ راهکار گزینش کارگزاران صالح و توانا، برکناری کارگزاران فاسد، قاطعیت توأم با مدارا، انضباط اداری و ایجاد تشکیلاتی برای نظارت عملکرد کارگزاران و در عوامل فرهنگی و اجتماعی؛ راهکار تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجودان کاری، کنترل و نظارت اجتماعی و در عوامل سیاسی؛ راهکار قانون‌گرایی و عدم تبعیض در برخورد با فاسد، شفافیت‌گرایی و در عوامل اقتصادی؛ راهکار

اصلاح نظام اداری و مالیاتی، تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح، پرهیز از دادن امتیازات ویژه و رانت، ممنوعیت هدیه و رشوه، مبارزه با انحصارگرایی و انحصار طلبی. می‌توان گفت با رعایت اصول یاد شده، عوامل بازدارندگی نسبت به بخش زیادی از فسادها و همچنین ریشه کن شدن آن در برخی شرایط فراهم خواهد شد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابیالحدید. عبدالحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاعه لابن ابیالحدید. تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- ابن عبدالبر. یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. تحقیق علی محمد بجاوی. بیروت: دار الجبل.
- ابن منظور. محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- تمیمی. عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غررالحكم و دررالکلام. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: جلد دوم. دارالکتاب الاسلامی.
- حسنی. علی. شمس عبدالحمید (۱۳۹۱). «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. شماره ۵.
- خدمتی. ابوطالب (۱۳۸۴). «سیره حضرت علی علیه السلام در مبارزه با فساد اداری».
- روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۴۵.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب.
- (۸۵/۳/۲۹). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان.
- (۸۴/۵/۱۲). مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری.
- (۸۱/۴/۵). دیدار رئیس، معاونان و کارکنان قوه قضائیه در سالروز هفتم تیر.
- (۸۸/۱/۱). حرم امام رضا علیه السلام.
- (۸۲/۶/۵). دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت.
- (۸۲/۲/۲۲). جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی.

- (۸۷/۴/۵). دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه.
- (۸۷/۴/۵). دیدار مسئولان قضایی کشور.
- (۸۱/۷/۳۰). دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان.
- (۸۷/۴/۵). دیدار مسئولان قضایی کشور.
- (۸۰/۱۰/۱۹). دیدار مردم قم.
- (۸۰/۵/۱۱). مراسم تنفیذ ریاست جمهوری.
- (۷۹/۱۰/۷). خطبه های نماز عید سعید فطر.
- (۷۰/۶/۳). دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت.
- سید رضی.محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاعه. قم: مؤسسه نهج البلاعه.
- شهید ثانی.زین العابدین (۱۳۷۷).الروضه البهیه فی شرح لمعه الدمشقیه.جلد ۹.قم: مکتبه الداوری.
- صدر.علی‌ضا (۱۳۸۵). «روش امام علی علیه السلام در برقراری عدالت اقتصادی».
- پژوهش‌های نهج البلاعه. شماره ۱۷ و ۱۸.
- صدر.سید محمد باقر (۱۳۹۳). اقتصاد ما. ترجمه سید ابوالقاسم حسینی. قم: زرفا.پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
- قبیری.مجید (۱۳۸۸). تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی. تهران: نشر نوآور.
- کردلو.محمد رضا (۱۳۸۴). «فساد مالی». مجله دانش حسابرسی. سال ۵.شماره ۱۶.
- محنت‌فر. یوسف (۱۳۸۷). فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی.
- مغربی. نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائیم‌الاسلام. جلد دوم. قم: مؤسسه آل‌البیت.